

مقایسه طرحواره نقش جنسیتی زوجین، در دو گروه از زنان با و بدون همسر آزاری مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد در سال ۱۳۹۴ شهبلا نورانی سعدالدین^۱، سمیه بهارشاهی^{۲*}، دکتر حبیب الله اسماعیلی^۳، دکتر نگار اصغری پور^۴

۱. مربی گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۳. استاد آمار زیستی، مرکز تحقیقات نوزادان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۴. استادیار روانشناسی بالینی، مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری، بیمارستان ابن سینا، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۶

خلاصه

مقدمه: همسرآزاری اشاره به خشونت دارد که از جانب شریک زندگی رخ داده و یا در حال انجام است. طرحواره نقش جنسیتی مجموعه‌ای از باورهای فرد در مورد هویت زنانه یا مردانه است، بنابراین می‌تواند بر روابط افراد تأثیرگذار باشد. مطالعه حاضر با هدف مقایسه طرحواره نقش جنسیتی زوجین در زنان با و بدون همسرآزاری مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد انجام شد.

روش کار: این مطالعه تحلیلی - مقایسه‌ای در سال ۱۳۹۴ بر روی ۲۵۷ زوج مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد انجام گرفت. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های نقش جنسیتی بَم و همسرآزاری ISA بود. با استفاده از پرسشنامه همسرآزاری، زوجین در دو گروه با و بدون همسرآزاری قرار گرفتند و با استفاده از پرسشنامه بَم نمرات زنانگی، مردانگی و خنثی در زن و مرد تعیین شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) و آزمون‌های کای اسکوئر، فیشر، تی مستقل و من‌ویتنی انجام شد. میزان p کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین نمره زنانگی و مردانگی در مردان گروه بدون همسرآزاری نسبت به گروه دیگر با اختلاف معناداری بیشتر بود ($p=0/013$, $p=0/015$). میانگین نمره خنثی در مردان بدون همسرآزاری نسبت به گروه دیگر با اختلاف معناداری کمتر بود ($p=0/024$).

نتیجه‌گیری: صفات زنانگی در کنار ویژگی‌های مردانگی، در مردان باعث می‌شود کمتر مرتکب همسرآزاری شوند و صفات خنثی در مردان عامل خطری برای همسرآزاری محسوب می‌شود.

کلمات کلیدی: زوجین، نقش‌های جنسیتی، همسرآزاری

* نویسنده مسئول مکاتبات: سمیه بهارشاهی؛ دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. تلفن: ۰۵۶-۳۲۴۱۲۱۶۷؛ پست الکترونیک: bahars921@mums.ac.ir

مقدمه

خشونت علیه زنان (VAW)^۱ یا خشونت مبتنی بر جنسیت، یکی از جدی‌ترین مسائل اجتماعی، قانونی و چالشی مهم برای سلامت عمومی محسوب می‌شود و تأثیرات جدی بر سلامت زنان و نسل‌های آینده دارد (۱). طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت خشونت علیه زنان عبارت است "از هر عمل خشونت بار که منجر به آسیب یا رنجش جسمی، جنسی و روانی زن می‌شود و شامل تهدید، اعمال زور و یا محرومیت خودسرانه از آزادی می‌باشد، خواه در حیطة عمومی (آشکار) و یا در زندگی خصوصی (پنهان) اتفاق بیفتد" (۲).

در جهان از هر سه زن، یک نفر خشونت جسمی، جنسی و یا هر دو را (توسط شریک زندگی‌اش و یا دیگران) تجربه می‌کند. آمارها نشان داده‌اند که ۲۹/۸٪ از زنان در آمریکا، ۲۵/۴٪ در اروپا، ۳۶/۶٪ در آفریقا، ۳۷٪ در حوزه مدیترانه شرقی و ۳۷/۷٪ در منطقه جنوب شرقی آسیا، چنین آزاری را توسط شریک صمیمی خود تجربه کرده‌اند (۳). خشونت علیه زنان در جایگاه‌ها و مکان‌های مختلفی از جمله در بستر خانواده، جامعه و دولت‌ها اتفاق می‌افتد. خشونت در سطح خانواده به عنوان خشونت خانگی^۲ شناخته شده است (۱). همسرآزاری^۳ توسط شریک زندگی زن رخ می‌دهد و اشاره به خشونت و آزاری دارد که مرد علیه همسرش انجام داده یا در حال انجام است. این خشونت همان‌طور که قبلاً ذکر شد شامل خشونت جسمی، آزار روانی/عاطفی، خشونت جنسی و کنترل رفتار می‌شود (۴). ۳۰٪ زنان جهان، در طول زندگی‌شان حداقل یک بار توسط شریک زندگی‌شان مورد آزار جسمی یا جنسی قرار گرفته‌اند (۵). در ایران، ۶۶٪ زنان حداقل یک بار از ابتدای زندگی مشترک خشونت را تجربه کرده‌اند (۶). همچنین بر اساس آمار مطالعات مختلف، شیوع کلی همسرآزاری در تهران و شهرهای دیگر کشور طیف گسترده‌ای از ۱۷/۵ تا ۹۳/۶ درصد گزارش شده است (۷).

تحت تأثیر این ارتباط، کودکان نیز دچار صدماتی می‌شوند. طی یک بررسی ملی در بیش از ۶۰۰۰ خانواده آمریکایی، نیمی از مردان اغلب طی حمله به همسران خود، فرزندان را نیز مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند (۸). مطالعه داودی و همکاران (۲۰۱۳) که بر روی عوامل خطر و محافظت کننده خشونت خانگی فیزیکی علیه زنان در کشورهای حوزه مدیترانه شرقی انجام شد، نشان داد عواملی که در بروز خشونت فیزیکی (جسمی) علیه زنان در خانواده مؤثر می‌باشند، در سه دسته: عوامل مربوط به فرد خشونت‌گر (مرد)، عوامل مربوط به فرد خشونت‌دیده (زن) و عوامل خانوادگی اجتماعی رخ می‌دهند (۹، ۱۰).

باور به برتری مرد از جانب زن نیز در افزایش بروز همسرآزاری تأثیرگذار است (۹). بر اساس مطالعات مختلف در حیطة روانشناسی، باورها و افکار قالبی افراد در پیش‌بینی ارتباطات زناشویی و صمیمیت زناشویی نقش بسزایی دارند. باور به تفاوت‌های جنسیتی با رضایت زناشویی ارتباط معکوس دارد (۱۱).

طرحواره^۴ به عنوان هسته اصلی باورهای انسان، مدت زیادی است که مورد بررسی روان‌شناسان قرار گرفته است. طرحواره یعنی بازنمود ذهنی یا همان عقیده و دانش سازمان یافته ما درباره افراد، اشیاء، وقایع یا موقعیت‌ها. به عبارت دیگر طرحواره یعنی، "حفظ دیدگاهی با ثبات درباره خود یا دیگران؛ حتی اگر این دیدگاه نادرست یا تحریف شده باشد". با این تعریف کلی، طرحواره می‌تواند مثبت یا منفی، سازگار یا ناسازگار باشد و همچنین می‌تواند در اوایل زندگی و یا در سیر بعدی زندگی شکل بگیرد (۱۲). بر اساس نظریه ساندراس (۱۹۷۴)، هر یک از ما در کنار طرحواره‌های متعدد، دارای یک طرحواره نقش جنسیتی^۵ نیز هستیم. منظور از طرحواره نقش جنسیتی، مجموعه‌ای از باورها و نگرش‌ها درباره هویت مردانه و زنانه است. در شکل‌گیری این طرحواره، افراد به گونه‌ای فزاینده اطلاعات را بر حسب جنسیت تفسیر می‌کنند. جنسیت سازه‌ای اجتماعی - فرهنگی است برخلاف جنس، که یک ویژگی

¹ Violence against Women

² Domestic Violence

³ Spouse abuse

⁴ Schema

⁵ Gender schemas

انسانی و همچنین عوامل فردی مربوط به هر یک از افراد زن و مرد (۱۹). طرحواره نقش جنسیتی در بستر فرهنگ و اجتماع و در باور زن و مرد شکل می‌گیرد و مجموعه‌ای از باورهای فرد در مورد هویت زنانه یا مردانه است، بنابراین می‌تواند بر روابط زوجین تأثیرگذار باشد، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای طرحواره نقش جنسیتی زوجین در زنان با و بدون همسرآزاری مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد انجام شد.

روش کار

این مطالعه مقطعی از نوع مقایسه‌ای در سال ۱۳۹۴ بر روی ۲۵۷ زوج (۵۱۴ نفر) مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد (در دو گروه با و بدون همسرآزاری) صورت گرفت. نمونه‌گیری در مرحله اول به صورت تصادفی خوشه‌ای از میان تمام مراکز بهداشتی درمانی پنج‌گانه شهری مشهد انجام گرفت که در این مرحله، ۹ مرکز بهداشتی درمانی شهری انتخاب شدند. در مرحله بعد، نمونه‌گیری به شیوه در دسترس از میان تمام زوجین مراجعه کننده به این مراکز انجام شد. نمونه‌گیری در مراکز منتخب تحت پوشش مراکز پنج‌گانه به صورت سهمیه‌ای و با توجه به تعداد مراکز تحت پوشش هر منطقه صورت گرفت، بدین صورت که برای هر یک از مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، تعداد نمونه با استفاده از فرمول زیر محاسبه گردید:

تعداد نمونه از مراکز بهداشتی درمانی شهری منطقه ۱: ۵۸ زوج، منطقه ۲: ۴۶ زوج، منطقه ۳: ۷۲ زوج، منطقه ۴: ۲۳ زوج و منطقه ۵: ۵۸ زوج به دست آمد.

معیارهای ورود به مطالعه شامل: زوجین ایرانی، مسلمان و ساکن شهر مشهد، داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن، گذشتن حداقل یک سال از زندگی مشترک، نداشتن سابقه ازدواج قبلی، زندگی کردن با همدیگر در حال حاضر، مشمول مشاغلی نشوند که مجبور شوند دو هفته یا بیشتر در ماه از یکدیگر جدا زندگی کنند^۱. طی ۶ ماه گذشته دچار اتفاق یا رویداد استرس‌زا نشده

زیستی می‌باشد. در نظریه بهم، افراد فارغ از مرد یا زن بودن، می‌توانند در یکی از ۴ گروه طرحواره نقش جنسیتی شامل: زنانگی، مردانگی، دوگانگی جنسیتی (فراجنسیتی) و نامتمايز (خنثی) قرار بگیرند (۱۳). از نظر بهم، هر فردی (زن و مرد) می‌تواند واجد تعدادی از ویژگی‌های هر دو مقیاس زنانگی و مردانگی باشد. مطابق با این نظریه افراد با طرحواره دوگانگی جنسیتی به دلیل داشتن هر دو ویژگی‌های مردانه و زنانه، آرایه‌های وسیعی از رفتارها برای آنها فراهم می‌شود و به آنها اجازه می‌دهد که به رفتارهای مؤثرتر وابسته به شرایط (موقعیت) بپردازند. بنابراین بر اساس این نظریه افراد دارای طرحواره دوگانگی جنسیتی در روابط میان فردی خود منعطف فرض می‌شوند (۱۴).

طرحواره نقش جنسیتی در ارتباط با همسرآزاری از آن جهت قابل اهمیت می‌باشد که زوجین در یک رابطه تعاملی با یکدیگر قرار دارند و کیفیت این ارتباط متأثر از عوامل مختلفی است که از آن جمله مفاهیم مردانگی و زنانگی می‌باشد. نتایج مطالعه معارف و همکاران (۲۰۱۵) که به بررسی ارتباط طرحواره نقش جنسیتی زوجین و میزان رضایت‌مندی زناشویی پرداخت، نشان داد در زوجینی که مرد از طرحواره نقش جنسیتی زنانگی برخوردار بوده است، رضایت زناشویی افزایش یافته است (۱۵). از طرف دیگر مطالعه حجازی و همکار (۲۰۱۲) که اثر جنس و طرحواره‌های جنسیتی را بر الگوهای دوستی مورد بررسی قرار داد، نشان داد که الگوهای دوستی متأثر از طرحواره نقش جنسیتی نمی‌باشند (۱۶). نتایج مطالعه ابوالقاسمی و همکاران (۲۰۰۸) که در ایران انجام شد، نشان داد میان دوگانگی جنسیتی و کیفیت زندگی زنان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، یعنی با افزایش دوگانگی جنسیتی، کیفیت زندگی زنان افزایش می‌یابد (۱۷). مطالعه عسگری و همکاران (۲۰۱۰) در ایران نشان داد که میان طرحواره دوگانگی جنسیتی و بهزیستی روانشناختی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (۱۸).

پدیده همسرآزاری موضوعی چند بُعدی می‌باشد و عوامل دخیل در آن هر کدام به نوبه خود حائز اهمیت‌اند از جمله مسائل فرهنگی اجتماعی، قوانین موجود در جوامع

^۱ مانند: راندگی بین شهری - دانشجوی بودن یکی از زوجین در مکانی غیر محل اقامتشان

باشند^۱. قرار نگرفتن تحت درمان دارویی یا روان درمانی در طول یک سال گذشته و یا در حال حاضر با تشخیص اختلالات روانشناختی، تک همسری بودن مرد در حال حاضر و عدم بارداری زن در حال حاضر بود. معیار خروج از مطالعه شامل: پاسخ ندادن زوجین به حداقل ۵٪ سوالات پرسشنامه بود.

با توجه به این که مطالعه مشابهی هم راستا با مطالعه حاضر یافت نشد، طبق نظر استاد مشاور محترم آمار، جهت تعیین تعداد نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی بر روی ۳۰ نفر انجام گرفت و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، تعداد نمونه جهت مطالعه حاضر با توجه به نسبت صفت مردانگی در دو گروه با و بدون همسرآزاری که به ترتیب برابر ۰/۱۳۵ و صفر بود، با به‌کارگیری فرمول مقایسه نسبت‌ها در دو گروه مستقل، با اطمینان ۹۵٪ و توان ۸۰٪ محاسبه گردید که حداقل ۵۰ زوج در هر گروه لازم بود.

در این مطالعه ۵۰ زوج (۱۰۰ نفر) به عنوان حداقل نمونه در هر یک از گروه‌های با و بدون همسرآزاری تعیین شد. در نهایت مطالعه بر روی ۵۱۴ نفر (۲۵۷ زوج) انجام گرفت که ۱۰۲ نفر (۵۱ زوج) در گروه با همسرآزاری و ۴۱۲ نفر (۲۰۶ زوج) در گروه بدون همسرآزاری قرار گرفتند.

ابزارهای مورد استفاده شامل: پرسشنامه فردی زن، پرسشنامه فردی مرد، پرسشنامه همسرآزاری ISA^۲ و پرسشنامه نقش جنسیتی بم - فرم کوتاه هنجار ایرانی بود. در مطالعه حاضر روایی تمام این پرسشنامه‌ها با استفاده از روایی محتوی توسط ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی مامایی و روانپزشکی با استفاده از جدیدترین منابع علمی مورد تأیید قرار گرفت. هم‌چنین روایی پرسشنامه همسرآزاری ISA در ایران در مطالعه اینانلو و همکاران (۱۳۷۹) و نیز مطالعه رزاقی و همکاران (۱۳۸۶) به روش محتوی به تأیید رسیده است (۲۰، ۲۱). روایی پرسشنامه نقش جنسیتی بم در ایران در مطالعه علی‌اکبری دهکردی و همکاران (۱۳۹۱) به روش تحلیل عاملی

اکتشافی به تأیید رسیده است (۲۲). پایایی پرسشنامه همسرآزاری ISA و پرسشنامه نقش جنسیتی بم با استفاده از آلفای کرونباخ بر روی ۳۰ نفر تعیین گردید. آلفای کرونباخ جهت پرسشنامه همسرآزاری ISA ۰/۹۶ تعیین گردید که برای گویه‌های فیزیکی ۰/۹۲ و برای گویه‌های غیرفیزیکی ۰/۹۵ به‌دست آمد. مقادیر آلفای کرونباخ برای پرسشنامه نقش جنسیتی بم ۰/۷۸ بود که جهت هر یک از ابعاد زنانگی و مردانگی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۲ به‌دست آمد.

پرسشنامه نقش جنسیتی بم فرم کوتاه هنجار ایرانی: این پرسشنامه جهت بررسی طرحواره نقش جنسیتی زوجین مورد استفاده قرار گرفت و به هر کدام از زوجین به صورت جداگانه تحویل داده شد تا تکمیل کنند. این پرسشنامه شامل ۳۰ گویه است که با استفاده از دو بُعد مردانگی و زنانگی به تعیین طرحواره نقش جنسیتی فرد می‌پردازد که فرد در یکی از چهار گروه مردانگی، زنانگی، خنثی و یا دوگانگی قرار می‌گیرد. گویه‌ها به صورت لیکرت ۷ درجه‌ای می‌باشند (از نمره ۱ تا ۷، کاملاً غلط، تقریباً غلط، نمی‌دانم، تقریباً درست، درست، کاملاً درست). پس از تعیین میانگین نمرات ابعاد مردانگی و زنانگی، به تعیین میانه پرداخته می‌شود؛ بدین صورت که به صورت جداگانه در هر یک از نمرات به‌دست آمده از گویه‌های مردانگی و زنانگی، میانه تعیین می‌شود؛ بنابراین یک میانه در نمرات مردانگی و یک میانه در نمرات زنانگی تعیین شد. در این مطالعه میانه در بُعد مردانگی ۵/۴۵ و در بُعد زنانگی ۶ تعیین و مدنظر قرار گرفت.

افرادی که در مقیاس مردانگی نمره بالاتر از میانه و در مقیاس زنانگی نمره پایین‌تر از میانه را کسب کنند، بر اساس نمره‌دهی این پرسشنامه جزء گروه مردانگی قرار می‌گیرند. افرادی که در مقیاس زنانگی نمره بالاتر از میانه و در مقیاس مردانگی نمره پایین‌تر از میانه را کسب کنند، در گروه زنانگی قرار می‌گیرند. افرادی که در هر دو مقیاس زنانگی و مردانگی، نمرات پایین‌تر از میانه را کسب کنند، جزء گروه خنثی قرار می‌گیرند و افرادی که در هر دو مقیاس زنانگی و مردانگی، نمرات بالاتر از میانه

^۱ بیماری جدی خود، همسر یا فرزندان، فوت یکی از نزدیکان، مهاجرت، ورشکستگی و تصادف

^۲ Index of Spouse Abuse

داشتند و خوشبختانه واکنش خاصی از سوی شوهران، به گونه‌ای که تداخلی با روند پژوهش ایجاد شود، مشاهده نشد. از زوجین پذیرایی مختصری می‌شد و سپس فرم‌های مربوطه به صورت جداگانه به هر یک از زوجین تحویل داده شد تا آن را در مرکز پر کنند. فرم‌هایی که به زنان تحویل داده شد شامل پرسشنامه فردی زن، پرسشنامه نقش جنسیتی بم فرم کوتاه و هم‌چنین پرسشنامه همسرآزاری ISA بود و فرم‌هایی که به مردان داده شد شامل پرسشنامه فردی مرد و پرسشنامه نقش جنسیتی بم فرم کوتاه بود.

نمونه‌گیری از شهریور ماه تا دی ماه سال ۱۳۹۴ به طول انجامید و به صورت همزمان نمره‌دهی پرسشنامه همسرآزاری انجام گرفت تا تعداد افرادی که در هر یک از دو گروه با و بدون همسرآزاری قرار گرفتند، مشخص شود. نمونه‌گیری تا زمانی که تعداد گروه‌ها در این دو گروه به حد نصاب برسد، ادامه پیدا کرد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) انجام گرفت. جهت بررسی متغیرهای کیفی از آزمون‌های آماری کای اسکوئر و فیشر استفاده شد. در مورد متغیرهای کمی، ابتدا بررسی نرمال و غیر نرمال بودن با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف صورت گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو گروه با و بدون همسرآزاری از آزمون‌های تی مستقل و من ویتنی و در ۴ گروه طرحواره از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. میزان p کمتر از ۰/۰۵ معنادار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این مطالعه درصد همسرآزاری در نمونه‌های پژوهش ۱۹/۸٪ بود که به تفکیک ۲۲ نفر (۸/۵۶٪) آزار جسمی و غیر جسمی را با هم تجربه کرده بودند، ۲۵ نفر (۹/۷۲٪) فقط غیرجسمی و ۴ نفر (۱/۵٪) فقط جسمی را تجربه کرده بودند. در مجموع، در این مطالعه درصد همسرآزاری غیر جسمی ۱۸/۲۸٪ و درصد همسرآزاری جسمی ۱۰/۱۱٪ به دست آمد.

میانگین سن زنان مطالعه در دو گروه با و بدون همسرآزاری به ترتیب ۳۱/۹±۸/۵۱ و ۳۰/۶±۷/۳۷ سال

را کسب کنند، بر اساس نمره‌دهی این پرسشنامه جزء گروه دوگانگی قرار می‌گیرند.

پرسشنامه همسرآزاری ISA: این پرسشنامه خشونت مرد (شوهر) علیه زن را می‌سنجد که فقط به زنان مطالعه تحویل داده شد و شامل ۳۰ عبارت به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد (از نمره ۱ تا ۵، هرگز، به ندرت، گاهی، فراوان، بسیار فراوان). نمره‌دهی این پرسشنامه به شرح ذیل است: هر کدام از سؤالات پرسشنامه دارای وزنی می‌باشد که جهت به دست آوردن نمره ابتدا باید برای هر یک از سؤالات نمره لیکرت به دست آمده را در وزن آن سؤال ضرب کرد که در فرمول‌های زیر منظور از p همان حاصل ضرب لیکرت هر سؤال در وزن آن سؤال می‌باشد، بدین ترتیب برای کل پرسشنامه ۳۰ تا p به دست می‌آید. گویه‌های پرسشنامه ISA به دو بخش فیزیکی (جسمی) و غیر فیزیکی (غیرجسمی) تقسیم می‌شوند (۲۳).

نمره کل همسرآزاری:

$$ISA \text{ global Score} = ((SUM (p1 \text{ to } p30) -$$

$$1069) * 100) / 1069 * (4).$$

نقطه برش جهت تعیین گروه "با همسرآزاری":

$$ISA-P \text{ score} \geq 10$$

$$\text{Or an ISA-NP score of } \geq 25$$

افرادی که با توجه به نقطه برش در گروه با همسرآزاری قرار نگرفتند، در گروه بدون همسرآزاری قرار می‌گیرند (۲۴).

روش گردآوری داده‌ها بدین صورت بود که پژوهشگر در شیفت صبح هر روز به یکی از مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد که در مرحله اول نمونه‌گیری انتخاب شدند مراجعه می‌کرد. نمونه‌گیری در مراکز بهداشتی درمانی به صورت در دسترس انجام شد؛ بدین صورت که از میان تمام زوجینی که به واحد مراقبت مادر و کودک و نیز واحد واکسیناسیون کودک مراجعه می‌کردند، در صورت داشتن معیارهای ورود پژوهش دعوت به همکاری شد و پس از اخذ رضایت آگاهانه وارد مطالعه شدند. لازم به ذکر است که فرم رضایت آگاهانه به هر یک از زوجین به صورت جداگانه تحویل داده شد و هدف از انجام مطالعه بیان شد، به عبارت دیگر مردان مطالعه از اینکه همسرانشان به فرم همسرآزاری پاسخ خواهند داد اطلاع

($p=0/357$) و در مردان $35/9 \pm 8/69$ و $34/6 \pm 7/68$ سال ($p=0/434$) بود که از نظر آماری معنادار نبود. دو گروه با و بدون همسرآزاری به تفکیک زن و مرد به ترتیب در متغیرهای محل تولد (شهر-روستا) ($p=0/420$, $p=0/845$)، سطح تحصیلات ($p=0/806$)،

شغل ($p=0/297$)، شغل ($p=0/297$, $p=0/942$)، سابقه خشونت مکرر خانواده علیه فرد در دوران کودکی ($p=0/059$, $p=0/052$) و نسبت فامیلی ($p=0/136$) تفاوت معناداری نداشتند.

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد تحت مطالعه بر حسب همسرآزاری در متغیرهای انتخاب همسر، خشونت مکرر خانواده شوهر و تعداد ساعات استفاده از شبکه اجتماعی

نتیجه آزمون	همسرآزاری		متغیر
	خیر (درصد) تعداد	بلی (درصد) تعداد	
کای دو	۲۰۶ (۸۰/۲)	۵۱ (۱۹/۸)	انتخاب همسر (زن)
آزمون دقیق فیشر	۱ (۱۴/۳)	۴۵ (۱۸)	انتخاب همسر (زن)
۲۳/۸۷۵	۱۹۰ (۸۴/۸)	۳۴ (۱۵/۲)	خشونت مکرر خانواده شوهر (زن)
	۱۶ (۴۸/۵)	۱۷ (۵۱/۵)	تعداد ساعات استفاده از شبکه اجتماعی (مرد)
۸/۴۹۱	۵۳ (۸۵/۵)	۹ (۱۴/۵)	کمتر از یک ساعت در روز
	۳۲ (۷۶/۲)	۱۰ (۲۳/۸)	یک تا دو ساعت در روز
	۷ (۵۰)	۷ (۵۰)	بیشتر از دو ساعت در روز

اختلاف معناداری بین دو گروه با و بدون همسرآزاری مشاهده شد که در مورد متغیرهای نرمال از آزمون تی مستقل و متغیرهای غیرنرمال از آزمون من ویتنی استفاده شد. میانگین نمره زنانگی و هم‌چنین نمره مردانگی در مردان غیر همسرآزار با اختلاف معناداری بیشتر بود و میانگین نمره خنثی در مردان همسرآزار با اختلاف معناداری بیشتر مشاهده شد (جدول ۲).

اما در مورد متغیرهای دیگر، زنان دو گروه در متغیرهای انتخاب همسر (اختیاری- اجباری) ($p < 0/001$) و خشونت مکرر خانواده شوهر ($p < 0/001$) اختلاف معناداری داشتند. انتخاب همسر به شیوه اجباری و هم‌چنین خشونت مکرر خانواده شوهر علیه زن در زنانی که مورد همسرآزاری قرار گرفتند، با اختلاف معناداری بیشتر مشاهده شد (جدول ۱) و مردان دو گروه در متغیرهای تعداد ساعات استفاده از شبکه اجتماعی^۱ ($p=0/014$)، تعداد خواهر و برادر ($p=0/037$)، نمره مردانگی ($p=0/013$)، نمره زنانگی ($p=0/015$) و نمره خنثی ($p=0/024$) اختلاف معناداری داشتند. میانگین ساعات استفاده از شبکه اجتماعی در مردان همسرآزار با اختلاف معناداری بیشتر بود (جدول ۱).

هم‌چنین با توجه به نتایج آزمون من ویتنی، میانه (دامنه میان چارکی) تعداد خواهر و برادر در مردان غیر همسرآزار ۵(۲) نفر و در مردان همسرآزار ۴(۳) نفر بود که با اختلاف معناداری در مردان غیر همسرآزار بیشتر بود ($p=0/037$). در مورد نمرات زنانگی، مردانگی و خنثی فقط در مردان مطالعه

^۱ منظور از شبکه اجتماعی استفاده از وایبر، واتساپ، تلگرام و ... بوده است که استفاده شغلی، تجاری و تبلیغاتی مد نظر قرار نگرفت.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمره مردانگی، زنانگی، خنثی و دوگانگی در دو گروه با و بدون همسرآزاری - به تفکیک زن و

مرد

همسرآزاری	زن (n=۲۵۷)			مرد (n=۲۵۷)		
	خیر	بلی	نتیجه آزمون	خیر	بلی	نتیجه آزمون
متغیر کمی	میانگین انحراف معیار ±	میانگین انحراف معیار ±	سطح معنی داری	میانگین انحراف معیار ±	میانگین انحراف معیار ±	t
نمره مردانگی	۵/۲۰±۰/۶۶	۵/۱۳±۰/۶۷	۰/۷۲۲	۵/۴۵±۰/۷۰	۵/۱۷±۰/۸۴	۲/۴۹۶
نمره زنانگی	۵/۹۸±۰/۵۹	۵/۹۷±۰/۶۴	۰/۰۹۱	۵/۸۴±۰/۶۳	۵/۳۳±۱/۱۹	-
نمره خنثی	۴/۲۲±۰/۶۳	۴/۰۴±۰/۶۶	۱/۷۳۵	۴/۱۰±۰/۶۶	۴/۳۵±۰/۷۷	-۲/۲۷۷
نمره دوگانگی	۶/۱۸±۰/۲۴	۶/۱۷±۰/۲۲	۰/۱۵۰	۶/۲۳±۰/۲۹	۶/۱۳±۰/۱۸	۱/۱۸۵

*آزمون من ویتنی

بحث

در این مطالعه مقایسه میانگین نمره زنانگی، مردانگی، خنثی و دوگانگی در زنان دو گروه با و بدون همسرآزاری تفاوت معناداری را نشان نداد که این ارتباط در زنان پژوهش، هم‌سو با مطالعه معارف و همکاران (۲۰۱۵) در موضوع رضایت زناشویی بود (۱۵)، اما با مطالعه خمسه (۲۰۰۶) هم‌خوانی نداشت، هدف مطالعه خمسه مقایسه رفتار جنسی و چگونگی تأثیرپذیری آن از طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل بود که نتایج آن نشان داد زنانی که طرحواره زنانگی دارند، درصد ناراضی‌شان از رفتار جنسی بیشتر است، در حالی که در زنان با طرحواره دوگانگی، ناراضی‌شان از رفتار جنسی وجود ندارد (۲۵). البته حجم نمونه مطالعه خمسه ۳۰ زن و ۳۰ مرد و کمتر از مطالعه حاضر بود. هم‌چنین نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعه حبیبی و همکار (۲۰۱۵) هم‌خوانی نداشت. مطالعه حبیبی که به بررسی رابطه جنس و نقش جنسیتی با میزان تاب‌آوری بر روی ۲۰۰ دانش‌آموز سال اول دبیرستان (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) در شهرستان سقز پرداخت، نشان داد که دانش‌آموزان دختر با طرحواره دوگانگی تاب‌آوری بیشتری دارند و از انعطاف‌پذیری و سازگاری بیشتری بهره‌مند هستند (۲۶). در مطالعه حبیبی موضوعی بررسی شده بود که نیازمند رابطه مستقیم دو طرفه میان افراد نبوده است؛ به عبارت دیگر در مطالعه حاضر، در موضوع همسرآزاری یک رابطه با تعامل دوطرفه وجود دارد و ویژگی‌های شوهر هم بر روی این تعامل و ارتباط

تأثیرگذار است و صفات زنان به تنهایی نمی‌توانند پیش‌بینی‌کننده نحوه این ارتباط باشند. در مطالعه حاضر میانگین نمره زنانگی و مردانگی در مردان غیر همسرآزار نسبت به گروه همسرآزار با اختلاف معناداری بیشتر بود. هم‌چنین میانگین نمره خنثی در مردان غیر همسرآزار نسبت به گروه همسرآزار با اختلاف معناداری کمتر بود و مقایسه میانگین نمره دوگانگی در مردان دو گروه تفاوت معناداری را نشان نداد که این ارتباط با مطالعه معارف و همکاران (۲۰۱۵) در موضوع رضایت زناشویی هم‌سو بود. در مطالعه معارف در مردان بین نقش جنسیتی زنانگی و رضایت زناشویی رابطه معنادار مستقیمی وجود داشت، در حالی که این ارتباط در زنان معنادار نشد (۱۵). هم‌چنین در مطالعه گارسیا و همکاران (۲۰۰۷) افزایش صفات زنانگی در رضایت زناشویی مردان تأثیر مثبتی داشت که با مطالعه حاضر هم‌سو بود (۲۷). اما نتایج مطالعه حاضر در مورد مردان با نتایج مطالعه خمسه (۲۰۰۶) هم‌خوانی نداشت، زیرا در مطالعه مذکور بین نقش جنسیتی مردان و رفتار جنسی آنان ارتباطی حاصل نشد (۲۵). البته حجم نمونه در مطالعه مذکور ۳۰ زوج بود که از مطالعه حاضر کمتر بود. هم‌چنین رفتار جنسی در مردان به عوامل ملموس‌تری بستگی دارد، به عبارت دیگر عواملی دخیل‌اند که بیشتر مربوط به روابط آنی‌تر زوجین می‌شوند و به اندازه طرحواره عمق پیدا نمی‌کنند، در نتیجه اثر آن در نقش جنسیتی نمایان نمی‌شود. هم‌چنین در مورد مردان مطالعه حاضر، نتایج با مطالعه حبیبی و همکار (۲۰۱۵) هم‌سو بود. نتایج مطالعه مذکور نشان داد که دانش‌آموزان پسر با طرحواره دوگانگی از تاب‌آوری

بیشتری برخوردار هستند (۲۶). این یافته‌ها نشان می‌دهند در موضوع همسرآزاری، نقش صفات مردانگی و زنانگی در مردان، مؤثرتر از نقش این صفات در زنان می‌باشد به عبارت دیگر؛ همسرآزاری بیشتر از آنکه به صفات جنسیتی زنان وابسته باشد، به صفات جنسیتی طرف مقابل (شوهر) وابسته است.

مطالعه حاضر ارتباط معناداری را بین سن مردان با همسرآزاری نشان نداد که با مطالعه فدایی و همکاران (۲۰۰۷) همخوانی داشت (۲۸)، اما با مطالعه ترکاشوند و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت نداشت. در مطالعه ترکاشوند با افزایش سن زن و شوهر، میزان خشونت در زنان افزایش می‌یافت. ابزار متفاوت مطالعه مذکور در سنجش همسرآزاری، می‌تواند در این تفاوت تأثیرگذار باشد (۶).

در مطالعه حاضر ارتباط معناداری بین تحصیلات زوجین با همسرآزاری وجود نداشت که با مطالعه پناغی و همکاران (۲۰۰۸) همخوانی داشت (۱۰)، اما با مطالعه فدایی همخوانی نداشت. در مطالعه فدایی و همکاران (۲۰۰۷) مردان همسرآزار دارای سطح تحصیلات پایین‌تری بودند (۲۸). جامعه آماری، محیط نمونه‌گیری و ابزار مطالعه فدایی متفاوت از مطالعه حاضر بود. در مطالعه فدایی نمونه‌گیری در گروهی که مورد همسرآزاری قرار گرفتند، از میان زنانی صورت گرفته بود که برای شکایت همسرآزاری به مراجع انتظامی و قضایی مراجعه کرده بودند. مطالعه ترکاشوند در مورد تحصیلات مردان با مطالعه حاضر هم‌سو بود، اما در مورد تحصیلات زنان با مطالعه حاضر هم راستا نبود؛ به گونه‌ای که زنان با تحصیلات راهنمایی و دبیرستان بیشترین و زنان بی‌سواد و با تحصیلات ابتدایی کمترین میزان خشونت را گزارش کردند (۶) که این تفاوت می‌تواند در نحوه تقسیم‌بندی سطح تحصیلات در زنان پژوهش مذکور باشد، زیرا در مطالعه ترکاشوند از زنان بی‌سواد نیز نمونه‌گیری صورت گرفته بود، در صورتی که در مطالعه حاضر سواد خواندن و نوشتن جزء معیارهای ورود به پژوهش بود، در نتیجه در تقسیم‌بندی سطح تحصیلات، چنین گروهی وجود نداشت. در مطالعه حاضر محل تولد (شهر-روستا) و نسبت فامیلی زوجین ارتباط معناداری با همسرآزاری نداشت که با مطالعه رزاقی و همکاران

(۲۰۱۰) و فدایی مطابقت نداشت. در مطالعه رزاقی نسبت فامیلی عامل خطری جهت همسرآزاری محسوب می‌شد (۲۱)، اما در مطالعه فدایی نسبت فامیلی به عنوان عامل محافظت‌کننده در مقابل همسرآزاری مطرح شد. البته به نظر می‌رسد محیط نمونه‌گیری مطالعه فدایی باعث پوشش غیر واقع‌بینانه این موضوع شده باشد، زیرا ممکن است در گروه مورد آزار واقع شده، زنانی که ازدواج فامیلی داشتند، با احتمال کمتری به مراجع انتظامی و قضایی مراجعه کرده باشند (۲۸). در مطالعه حاضر زوجینی که نسبت فامیلی داشتند با درصد بیشتری در گروه با همسرآزاری قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که ۲۵/۷٪ زوجینی که نسبت فامیلی داشتند در گروه با همسرآزاری قرار گرفتند و در مقابل ۱۷/۵٪ زوجینی که نسبت فامیلی نداشتند در گروه با همسرآزاری قرار گرفتند اما این اختلاف معنادار نبود.

خشونت مکرر علیه زن و مرد توسط خانواده در دوران کودکی متغیر دیگری بود که در مطالعه حاضر بررسی و ارتباط آن با همسرآزاری معنادار نشد، اما درصد همسرآزاری در زوجین قربانی این خشونت بیشتر مشاهده شد؛ به گونه‌ای که ۳۸/۹٪ زنانی که در دوران کودکی مورد خشونت مکرر خانواده قرار گرفته بودند در گروه با همسرآزاری قرار گرفتند و در مقابل ۱۸/۴٪ زنانی که مورد خشونت مکرر در این دوران قرار نگرفته بودند در گروه با همسرآزاری مشاهده شدند. همچنین درصد همسرآزاری در گروه مردانی که در دوران کودکی مورد خشونت مکرر خانواده قرار گرفته بودند؛ ۳۶/۴٪ بود. در مقابل، درصد همسرآزاری در گروه مردانی که در دوران کودکی مورد خشونت مکرر خانواده قرار نگرفته بودند؛ ۱۸/۳٪ بود. اما این اختلاف معنادار نبود که با نتایج مطالعه رزاقی و همکاران (۲۰۱۰) و اینانلو و همکاران (۱۹۹۹) که خشونت در دوران کودکی علیه مرد را به عنوان عامل خطری برای همسرآزاری ذکر کردند، مطابقت نداشت (۲۱، ۲۰). در مطالعه حاضر تعداد خواهر و برادر در مردان گروه بدون همسرآزاری با اختلاف معناداری بیشتر بود، اما افزایش تعداد خواهر و برادر در نتایج مطالعه فدایی به عنوان عامل خطری برای همسرآزاری شناخته شده بود (۲۸).

خنثی در مردان عامل خطری برای همسرآزاری محسوب می‌شوند. با توجه به نتایج این مطالعه، ارتباط صفات مردانگی و زنانگی با همسرآزاری به ویژگی‌های مردان بیشتر از زنان وابسته می‌باشد.

تشکر و قدردانی

این مقاله منتج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مامایی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد می‌باشد که با شماره ۹۴۰۱۶۶ ثبت شده است. بدین وسیله از شورای محترم پژوهشی و کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی مشهد که در تصویب و پرداخت هزینه‌های این طرح ما را یاری نمودند و از تمامی زوجینی که در این مطالعه به عنوان واحدهای پژوهش شرکت نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از نقاط قوت این مطالعه، انجام پژوهش بر روی زوجین و همچنین استفاده از ابزار همسرآزاری ISA بود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محیط نمونه‌گیری آن اشاره کرد که معطوف به مراکز بهداشتی و درمانی بود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده در کنار مراکز بهداشتی و درمانی از افراد مراجعه کننده به محیط‌های متعدد دیگری مانند مطب‌های خصوصی، مجتمع‌های قضایی، پزشکی قانونی و بوستان‌ها نیز نمونه‌گیری صورت گیرد. مطالعه حاضر اثرپذیری همسرآزاری از نقش‌های جنسیتی مردان را مطرح کرد، در مطالعات آینده می‌توان تأثیر این صفات در زوجین بر سایر موضوعات زناشویی را مورد بررسی قرار داد.

نتیجه‌گیری

صفات زنانگی در کنار ویژگی‌های مردانگی در مردان، باعث می‌شود کمتر مرتکب همسرآزاری شوند و صفات

منابع

- Sanjel S. Gender-based violence: a crucial challenge for public health. *Kathmandu Univ Med J* 2013; 11(2):179-84.
- World Health Organization. Violence against women. Geneva: World Health Organization; 2016.
- World Health Organization. Global and regional estimates of violence against women Prevalence and health effects of intimate partner violence and non-partner sexual violence. Geneva: World Health Organization; 2013.
- World Health Organization. Health care for women subjected to intimate partner violence or sexual violence A clinical handbook. Geneva: World Health Organization; 2014.
- Intimate partner violence. Stituation and trends. World Health Organization. Available at: URL: http://www.who.int/gho/women_and_health/violence/intimate_partner/en/; 2016.
- Torkashvand F, Rezaeean M, Sheikhhathollahi M, Mehrabian M, Bidaki R, Garousi B, et al. The prevalence of the types of Domestic violence on women referred to health care centers Rafsanjan in 2012. *J Rafsanjan Univ Med Sci* 2012; 12(9):695-708. (Persian).
- Vameghi M, Mohammadreza K, Sajadi H. Domestic violence in Iran: review of 2001-2008 literature. *Soc Welfare Quart* 2014; 13(50):37-70. (Persian).
- Marmion SL. "Intimate" violence against women: when spouses, partners, or lovers attack. 1st ed. Westport: Greenwood Publishing Group; 2006. P. 7.
- Davoudi F, Rasoulilian M, Ahmadzad Asl M, Nojomi M. Factors associated with physical domestic violence against women in countries of Eastern Mediterranean Region (EMR); a systematic review and metanalysis. *Iran J Psych Clin Psychol* 2013; 18(4):261-75. (Persian).
- Panaghi L, Ghahari S, Ahmadabadi Z, Yoosefi H. Spouse abuse and mental health: the role of social support and coping strategies. *J Iran Psychol* 2008; 5(17):69-79. (Persian).
- Shahrestany M, Doustkam M, Rahbardar H, Mashhadi A. Predicting marital satisfaction over the relational belief and marital intimacy variables in normal and divorced women in Mashhad. *J Woman Cult* 2011; 4(14):19-41. (Persian).
- Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy (a practitioner's guide). Trans: Hamidpour H, Andouz Z. Tehran: Arjmand; 2007. P. 29. (Persian).

13. Bem SL. Gender schema theory: a cognitive account of sex typing. *Psychol Rev* 1981; 88(4):354–64.
14. Bem SL. Gender schema theory and its implications for child development: raising gender-aschematic children in a gender-schematic society. *J Women Cult Soc* 1983; 8(4):598–616.
15. Maaref M, Khalili S, Hejazi E, Golamali LM. The relationship between identity style, gender role and marital satisfaction in married couples. *J Psychol* 2015; 18(4):365–80. (Persian).
16. Hejazi E, Rezadoost Z. Influence of gender & gender roles on friendship patterns. *Soc Women* 2012; 3(3):57–77. (Persian).
17. Abolghasemi A, Sheybani H, Narimani M, Gangi M. Relationship of androgyny and neuroticism with quality of life in infertile and fertile women. *Womens Stud* 2008; 6(2):47–61. (Persian).
18. Asgari P, Ehteshamzadeh P, Pirzamani S. Relationship of social acceptance, sex-role (androgyny) with psychological well-being in female students of Islamic Azad University branch Andimeshk. *Woman Cult* 2010; 2(5):99–110. (Persian).
19. Panaghi L, Ghahari S, Yoosefi H. Violence against wife and its influencing factors from the perspective of the victims of this phenomenon, a qualitative study. *J Fam Res* 2006; 2(7):257–67. (Persian).
20. Inanloo M, Mashayekhi F, Haghani H. A study of couples characteristics and existing relations with the kind and severity of wife abuse. *Iran J Nurs* 1999; 13(26):57-65. (Persian).
21. Razzaghi N, Tadayyonfar M, Akaberi A. The prevalence of violence against wives and relevant factors in married women admitted to health and treatment clinics in Sabzevar (2007). *J Sabzevar Univ Med Sci* 2010; 17(1):39-47. (Persian).
22. Aliakbari M, Mohtashami T, Hasanzadeh P. The study of psychometric characteristics in short form Bem's Sex-Role Inventory with emphasis on factor analysis in Iranian population. *Soc Cogn* 2012; 1(1):44–58. (Persian).
23. Hudson WW, McIntosh SR. The assessment of spouse abuse: two quantifiable dimensions. *J Marriage Fam* 1981; 43(4):873–88.
24. Peterson K. Learned resourcefulness, danger in intimate partner relationships, and mental health symptoms of depression and PTSD in abused women. *Issues Ment Health Nurs* 2013; 34(6):386–94.
25. Khamsehei A. Study on the sexual behavior and gender role stereotypes of the married college students in iran: comparing sexual behavior of female and male students in the family. *J Fam Res* 2006; 2(8):327–39. (Persian).
26. Habibi H, Fatemi M. Study of the relationship between sex and gender role with the level of resiliency. *Quart J Psychol Stud* 2015; 11(2):115–34. (Persian).
27. García AO, Calcáneo LM, Soto VS, Lara MR. Correlación entre rasgos de masculinidad-feminidad Y satisfacción marital en migrantes. *Migrac Y Desarro* 2007; 8:48–65.
28. Fadaei E, Kanani K, Molavi H, Nouri A. A comparison of neuroticism of Abusive and Non-abusive Husbands and Their characteristics as perceived by their wives in Isfahan, 2007. *Knowl Res Appl Psychol* 2007; 11(39):67–78. (Persian).